

و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی

طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به

میل خودشان چیزی از آن را به شما

واگذاشتند آن را حلال و گوارا بخورید.

سوره نساء آیه ۴

شروط ضمن عقد ازدواج

● تتبع و نگارش: صفا الرحمن سیفی

دور ششم برنامه کارآموزی در وزارت عدلیه به تاریخ ۲۰۱۹/۲/۱۵ آغاز گردید.

● گزارشگر: بشیر احمد عزیز



1397/11/29 برنامه‌های معرفی کارآموزان دور ششم با حضورداشت محترم سید محمد هاشمی، معین مالی و اداری، رؤسای محترم نشرات و منابع بشری وزارت عدلیه، نماینده دفتر محترم GIZ و کارآموزان دور جدید و دوره گذشته برگزار گردید.

آمریت جنر وزارت عدلیه، با همکاری ریاست منابع بشری و همکاری مالی دفتر محترم GIZ همه ساله برنامه کارآموزی را برای ده تن از فارغین انان رشته‌های حقوق، شرعیات و اقتصاد پوهنتون‌های خصوصی و دولتی به منظور افزایش کارمندان انان و شناسائی افراد مسلکی و شایسته در پست‌های مسلکی این وزارت، به راه می‌اندازد.

این برنامه با صحبت‌های محترم سید محمد هاشمی، معین مالی و اداری افتتاح گردید. در ضمن معرفی کارآموزان جدید، برای کارآموزان دوره گذشته نیز تصدیق‌نامه توزیع گردید.

ازدواج عقدیست که معاشرت زن و مرد را به منظور تشکیل خانواده مشروع می‌گرداند. طرفین عقد با رضایت کامل و عظم متین عقد را منعقد و برای استواری و استحکامیت آن لازم میدانند تا بعضی از شروط را بخاطر تحقق اهداف و تقاضای خود پیشنهاد نموده در صورتی که طرف مقابل آن شروط را قبول نماید مکلف به ایفای آن است، این نوع شروط را شروط ضمن عقد گویند؛ زیرا شامل در شروط انعقاد، شروط صحت، شروط لزوم و شروط نفاذ نموده، بلکه به تبع عقد و اراده طرفین است. هرگاه طرفین راغب به شرط گذاری نباشند تاثیری بر اصل عقد ازدواج وارد نمی‌سازد.

پس شروط ضمن عقد ازدواج عبارت از تعهدی که در ضمن عقد گذاشته شود، به نحوی که یکی از متعاقبین انجام کار یا نتیجه عقد دیگر، یا وصف خاصی را از طرف مقابل می‌خواهد و او آن را می‌پذیرد. به مفهوم دیگر عبارت از شرط و یا التزامی است که در عقد نکاح به نفع یا ضرر طرفین یا یکی از طرفین یا شخص ثالث درج می‌شود، هر چند که مذاکره در باره آن قبل از عقد انجام شده باشد. همچنان شرط ضمن عقد ازدواج الزامات و تعهداتی هستند که به جهت طبیعت خاص موضوع یا بر حسب اراده طرفین، در ضمن عقد نکاح گنجانده می‌شوند و رابطه مانند رابطه اصل و فرع با عقد پیدا می‌کند.

برای صحت شروط ضمن عقد یک سری شرایط دیگر مقرر گردیده و جنبه عمومی دارد در صورت رعایت آن‌ها هر نوع شرط که در ضمن عقد بوده باشد شرط صحیح محسوب می‌گردد. شرایط لازمه شروط ضمن عبارت اند از: مقدور بودن شرط ضمن عقد، جایز بودن شروط ضمن عقد، غرض عقلایی داشتن شروط ضمن عقد، عدم مخالفت با نصوص، عدم مخالفت مقتضای عقد، معلوم بودن طوری که موجب غرر نگردد و در ضمن عقد ذکر شده باشد.

هرگاه شروط ضمن عقد شرایط لازمه را دارا باشد شرط صحیح و اگر دارا نباشد شرط فاسد یا باطل محسوب می‌گردد. بنابراین شروط ضمن عقد نظر به ماهیت و موضوعیت شان به انواع مختلف تقسیم می‌گردد. که عبارت اند از: ۱- شرط باطل و مبطل عقد، ۲- شرط باطل بدون ابطال عقد، ۳- شرط فاسد ۴- شرط صحیح عقد.

۱- شرط مبطل: شرط مبطل شرطی را گویند که خودش باطل است و باعث بطلان عقد نیز بشود. شرایطی که مخالف مقتضای ذات عقد باشد هم باطل است و هم باعث بطلان عقد می‌گردد. مقتضای ذات عقد، نتیجه و اثر مستقیم آن است؛ یا نتیجه‌ای که طرفین عقد به قصد حصول آن اقدام به بستن عقد می‌کنند، مقتضای ذات عقد گفته می‌شود. مثلاً: در عقد بیع مقتضای ذات آن ایجاب می‌کند که مشتری مالک مبیع و بایع مالک مبن شود، یا در عقد نکاح، رابطه زوجین میان زن و مرد به محض وقوع عقد ایجاد می‌گردد. البته شرط مبطل صرفاً در قانون احوال شخصی تذکر گردیده است و اساس آن را فقه جعفری تشکیل می‌دهد. طوری که در بند ۱ ماده ۱۲۴ ق. ا. ش آمده است: «شرطیکه خلاف مقتضای ذات عقد نکاح باشد، باطل و مبطل عقد است. شرط زمانی مخالف مقتضای ذات عقد پنداشته می‌شود که ذات یا اثر آن را نفی کند، بطوریکه رعایت مفاد شرط، ماهیت عقد را تغییر دهد. مانند شرط عدم برقراری مطلق رابطه زوجیت.» و با ماده ۱۱۲ و بند ۲ ماده ۱۲۴ ق. ا. ش، چنین شرایطی، از آن جایی که مخالف ذات عقد است، هم باطل و هم سبب بطلان عقد شده می‌تواند. اصلاً با این شرط، معلوم می‌شود که قصد ازدواج نداشته است و بدون سبب، عقد ازدواج باطل است. در قانون مدنی و فقه اهل سنت به غیر شافعی شرط مبطل تذکر نگردیده است. قاعده عمومی را ایجاد کرده اند که شی باطل باعث ابطال شی صحیح شده می‌تواند، پس هر شرطیکه مخالف ذات عقد ازدواج بوده باشد باطل است اما باعث ابطال عقد ازدواج شده می‌تواند. فقهای مذهب شافعی ابراز کرده اند در صورتی که شرط در مقصود اصلی ازدواج خللی وارد نماید، مانند اینکه: شرط شود که استمتاع جنسی صورت نگیرد، عقد ازدواج باطل است. یا شرط شود که زن و شوهر از همدیگر ارث نزنند و یا زن شرط نماید که نفقه او را شخص دیگری غیر از زوج تأمین نماید، عقد ازدواج باطل است.

اصول و معیارهای محاکمه عادلانه

● تتبع و نگارش: عبدالرحمن عظیمی

۲۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در مورد تصریح شده است. عادلانه است که در قوانین افغانستان و مطابق مقررات میثاق مذکور "هر متهم حق دارد، تا زمانی که جرمش ثابت نشده قانون اثبات نشده باشد، بیگناه فرض شود." این متن که بیانگر اصل برائت می‌باشد، یکی از تضمین‌هایی در جهت رعایت حقوق مربوط به متهمین بوده که عدم التزام عملی به آن، منجر به نقض حق محاکمه عادلانه خواهد شد.

بناء برقراری عدالت و حاکمیت قانون در یک جامعه، نیازمند رعایت اصول و قواعد پذیرفته شده و مورد قبول همگانی است. از موضوعات بسیار مهم در کشورها، علاوه بر داشتن قوانین مناسب، سیستم عدلی و قضایی دقیق، برگزاری محاکمه بصورت عادلانه در جهت حفظ حقوق طرفین دعوی است.

۲- اصل حق دسترسی به محاکم: طبق این اصل هر شخص می‌تواند بخاطر دفاع از حق خویش به یک محاکمه مراجعه نماید. این اصل در برگیرنده این موضوع است که صدای اشخاص توسط محاکم شنیده شده و فرصت ارائه قضیه به محاکمه داده شود. در کشور ما این اصل در قانون اساسی و اسناد بین المللی در نظر گرفته شده است و اشخاص می‌توانند برای اثبات حق خویش به محاکم مراجعه نمایند.

ماده سی و یکم قانون اساسی نشان دهنده حق دسترسی به محاکم بوده و حق دریافت معلومات درباره اتهامات و فراخواندن متهم به محاکمه را در ظرف میعاد قانونی تضمین می‌کند: "متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب، اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می‌کند در محاکمه حاضر گردد."

۲- اصل برائت ذمه: ۲۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در مورد تصریح شده است. مطابق مقررات میثاق مذکور "هر متهم حق دارد، تا زمانی که جرمش ثابت نشده قانون اثبات نشده باشد، بیگناه فرض شود." این متن که بیانگر اصل برائت می‌باشد، یکی از تضمین‌هایی در جهت رعایت حقوق مربوط به متهمین بوده که عدم التزام عملی به آن، منجر به نقض حق محاکمه عادلانه خواهد شد.

۲۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در مورد تصریح شده است. مطابق مقررات میثاق مذکور "هر متهم حق دارد، تا زمانی که جرمش ثابت نشده قانون اثبات نشده باشد، بیگناه فرض شود." این متن که بیانگر اصل برائت می‌باشد، یکی از تضمین‌هایی در جهت رعایت حقوق مربوط به متهمین بوده که عدم التزام عملی به آن، منجر به نقض حق محاکمه عادلانه خواهد شد.

بناء برقراری عدالت و حاکمیت قانون در یک جامعه، نیازمند رعایت اصول و قواعد پذیرفته شده و مورد قبول همگانی است. از موضوعات بسیار مهم در کشورها، علاوه بر داشتن قوانین مناسب، سیستم عدلی و قضایی دقیق، برگزاری محاکمه بصورت عادلانه در جهت حفظ حقوق طرفین دعوی است.

۲- اصل برائت ذمه: ۲۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در مورد تصریح شده است. مطابق مقررات میثاق مذکور "هر متهم حق دارد، تا زمانی که جرمش ثابت نشده قانون اثبات نشده باشد، بیگناه فرض شود." این متن که بیانگر اصل برائت می‌باشد، یکی از تضمین‌هایی در جهت رعایت حقوق مربوط به متهمین بوده که عدم التزام عملی به آن، منجر به نقض حق محاکمه عادلانه خواهد شد.

که: «هر شخص می‌تواند برای دفاع از حقوق خود، وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می‌کند در محاکمه حاضر گردد. دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می‌نماید. محرمت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصون می‌باشد. وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می‌گردد.»

رعایت اصل تساوی طرفین دعوی در محاکم یک امر الزامی است. ماده ۱۹ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه در مورد چنین صراحت دارد: "محاکمه حین رسیدگی قضیه مستقل بوده، حکم خویش را بر اساس قناعتی که از دلایل مطروحه نزد آن فراهم می‌شود، در حدود احکام قانون صادر مینماید. رسیدگی و اصدار حکم توسط محاکمه براساس اصل تساوی طرفین قضیه در برابر قانون با رعایت عدالت و بیطرفی صورت می‌گیرد." مطابق بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی، همه در مقابل محاکمه برابرند و هر کس حق دارد، که عدالت خواهی او بطور منصفانه، عادلانه و بصورت علنی در یک محاکمه صالح، مستقل و بیطرف مطابق با قانون رسیدگی شود." بر این اساس حق محاکمه عادلانه، خود نیازمند برخی از شرایط و تضمین های است که در ماده مذکور به آن اشاره شده است. از جمله این شروط، رعایت اصل برابری است که در ماده

محاکمه عادلانه یک حق است، که شامل برگزاری علنی جلسات قضایی، عادلانه بودن اجراءات و مهم تر از آن تضمین اصل تساوی و برابری طرفین در محاکمه ذیصلاح، مستقل و بیطرف که به موجب قانون ایجاد شده باشد، رسیدگی صورت گیرد. چنانچه در ماده ۱۱ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه آمده است: "در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر میگردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد مگر اینکه محاکمه بنا بر مصلحت طرفین دعوی و رعایت آداب یا نظم عامه، غیر علنی بودن جلسه را تجویز کند. اعلان حکم به هر حال طور علنی صورت می‌گیرد" حق عدالت خواهی در چنین محاکمه، حق مطلق بوده، که در هیچ شرایطی مورد تعلیق قرار نمی‌گیرد." با توجه به موارد متذکره، محاکمه عادلانه را میتوان چنین تعریف نمود:

محاکمه عادلانه به پروسه سیستم قضایی "حقوقی یا جزائی" اطلاق می‌شود، که تمام معیارهای بین المللی حقوق بشر منصفانه و بیطرفانه در آن رعایت گردد. حق محاکمه عادلانه بصورت اجمالی در قانون اساسی کشور به رسمیت شناخته شده است؛ چنانچه در ماده ۱۲۸ قانون اساسی صراحت دارد که (در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می‌گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد.)؛ با توجه به ماده ۳۰ قانون اساسی: «اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگر به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد. اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محاکمه با صلاحیت.» در ماده ۳۱ قانون اساسی صراحت دارد

اصول و معیارهای...

قابل یادآوری است که مقتضا دو موضوعیت

دارد یکی مقتضای ذات عقد و دوم مقتضای اطلاق عقد. هر آنچه که باطل و مبطل عقد است، شرط خلاف مقتضای ذات عقد است نه شرط خلاف مقتضای اطلاق عقد. بگونه‌ای که عقد ازدواج طور مطلق و بدون قید، منعقد شود، این اطلاق، اقتضائاتی دارد؛ مانند: تعیین حق مسکن به شوهر است، زوج حق دار با زن دوم و سوم ازدواج کند، زوج حق دارد مانع کار زوجه در بیرون از منزل شود و غیره؛ اگر زوجه، ضمن عقد ازدواج شرط کند که اختیار تعیین مسکن به او واگذار شود، یا شرط کند که حق کار کردن در بیرون از منزل را داشته باشد، یا شرط کند که زوج حق ازدواج با زن دوم را نداشته باشد، چنین شرایطی مخالف مقتضای عقد نیست، بلکه مخالف مقتضای اطلاق عقد است و شرط مخالف مقتضای اطلاق عقد، باطل نیست؛ بلکه صحیح است.

۳- اصل تساوی در برابر قانون:
اصل تساوی در برابر قانون به معنی عدم تبعیض با اشخاص در برابر قانون، در جریان رسیدگی به یک قضیه چه در مرحله محاکمه و چه قبل و بعد از آن است. قضاوت و منسوبین عدلی و قضایی و کسانیکه مجریان قانون هستند، نباید با اشخاص طوری برخورد نمایند که موجب تبعیض و نابرابری گردد.
اصل تساوی در برابر قانون، در قوانین کشور ما در نظر گرفته شده و در مواد مختلف، بصورت واضح و روشن بیان شده است.

ماده بیست و دوم قانون اساسی در این مورد می‌گوید: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند».

همچنان مادهٔ نهمم قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه تصریح می‌دارد: «محکمه حین رسیدگی قضیه مستقل بوده، حکم خویش را بر اساس قناعتی که از دلایل مطروحه نزد آن فراهم می‌شود، در حدود احکام قانون صادر می‌نماید. رسیدگی و اصدار حکم توسط محکمه براساس اصل تساوی طرفین قضیه در برابر قانون با رعایت عدالت و بیطرفی صورت می‌گیرد».

۴- اصل شخصی بودن جرم:
طبق این اصل، جرم عملی شخصی است. هر کسی که مرتکب جرمی شود آن شخص مجرم است و جرم او به دیگران سرایت نمی‌کند. پس هر گاه مجرمی فرار نماید نمی‌توان اعضای خانواده و یا دوستانش را که مسئولیتی ندارند به جای او توقیف و مجازات نمود.
در این مورد ماده بیست و ششم قانون اساسی چنین بیان می‌دارد: «جرم یک عمل شخصی است.

۵- اصل قانونیت جرایم و مجازات:
اصل قانونیت جرایم و مجازات به این معنی است که تنها اعمالی جرم پنداشته می‌شوند که به موجب قانون جرم تعریف شده باشد و همچنین اشخاص به مجازاتی محکوم می‌شوند که قانون آن را برای آن جرم پیش بینی نموده باشد. این اصل در قوانین مختلف کشور ما در نظر گرفته شده و از جمله در قانون اساسی نیز بیان شده است.
ماده بیست و هفتم قانون اساسی در مورد اصل قانونی بودن جرائم و مجازات بیان می‌دارند: «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخصی را نمی‌توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام، نافذ گردیده باشد». همچنین ماده ۷ کود جزا نیز بیان می‌دارد: «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن، نافذ گردیده باشد».

۶- اصل منع توقیف خودسرانه:
موجب این اصل باید برای گرفتاری اشخاص، دلالی قانونی موجود باشد و گرفتاری شخص نیز به شکل قانونی باشد. این اصل در قوانین کشور ما نیز پذیرفته شده و در قانون اساسی و قوانین جزایی بیان شده است.

ماده بیست و چهارم قانون اساسی در مورد منع توقیف خودسرانه بیان می‌دارد: «آزادی حق طبیعی انسان است. این حق حدودی ندارد تا زمانیکه حقوق دیگران و مصالح

عامه را که توسط قانون تنظیم می‌گردد، متاثر نسازد.
آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد».

همچنین ماده بیست و هفتم قانون اساسی نیز بیان می‌دارد: «هیچ شخص را نمی‌توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون...»
فقره (۳) ماده ۹۹ قانون اجراء جزایی در قسمت مشروعیت توقیف چنین شرح نموده است:

"حارنوال ومحکمه در یکی از حالات ذیل قرار توقیف مظنون یا متهم جنبه یا جنایت را صادر نموده می‌تواند:
۱- در صورت موجوبیت دلایل اثبات مبنی برارتکاب جنایت.
۲- در صورت ارتکاب جرم مشهود.
۳- در صورتیکه هویت مظنون یا متهم معلوم نباشد.
۴- در صورتیکه خوف اخفا یا فرار مظنون یا متهم در جرم موجود باشد.
۵- در صورتیکه خوف ضیاع یا تغییر مدارک و اسنادجرمی موجود باشد.
۶- در صورت که مظنون یا متهم در حوزه مربوطه،محل اقامت دائمی نداشته باشد."
۷- اصل حق داشتن وکیل مدافع:

یکی از مهمترین عناصر محاکمه عادلانه حق تعیین وکیل مدافع برای اشخاص است. معمولاً اشخاص مظنون و یا متهم از حق و حقوق خویش آگاهی کامل ندارند، لذا باید به وکیل مدافع دسترسی داشته باشند. در قوانین افغانستان این حق برای متهم در نظر گرفته شده و می‌تواند در هر مرحله رسیدگی به دعوی خویش وکیل مدافع تعیین نماید.
ماده سی و یکم قانون اساسی در این مورد بیان می‌دارد: «هر شخص می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند.

متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادگی که قانون تعیین می‌کند در محکمه حاضر گردد.
دولت در قضایای جنائی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می‌نماید.
محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن از هر نوع تعرض مصون می‌باشد".
همچنین مادهٔ شانزدهم قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضایه نیز بیان می‌دارد: «هر شخص می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا اثبات حق خود درتمام مراحل اجراء جزائی و مدنی وکیل مدافع تعیین نماید.در قضایای جنائی برای شخص بی بضاعت طبق قانون، وکیل مدافع تعیین می‌گردد».

۸- اصل حق دفاع مناسب و کافی:
اصل حق دفاع مناسب و کافی بیان کننده حق در اختیار داشتن تمام وسایل لازم برای دفاع از سوی متهم است. حق دفاع مناسب و کافی مظنون و متهم از زمان گرفتاری وی آغاز میشود، که این حقوق شامل حق داشتن مساعد حقوقی، وکیل مدافع و تنظیم ارتباط آزاد و محرمانه با وکیل مدافع خویش می‌باشد. طبق این اصل مقامات عدلی باید تمام اتهامات منسوب را به متهم تفهیم نمایند و در فرصت مناسب زمینه دفاع او را فراهم سازند. این اصل در قوانین کشور ما نیز بیان شده است:

ماده سی و یکم قانون اساسی در مورد اصل حق دفاع مناسب و کافی بیان می‌دارد: «هر شخص می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند.
متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادگی که قانون تعیین می‌کند در محکمه حاضر

گردد...".
در ماده ۹ قانون اجراء جزایی نیز بیان شده است: «مظنون و متهم می‌تواند شخصاً یا توسط نماینده قانونی، در هر مرحله از تعقیب عدلی از خود دفاع نماید».

همچنین در فقره (۲) ماده ۱۸ مقرره مساعدتهای حقوقی جهت دفاع مناسب و لازم ازمظنون و متهم یک سلسله وظایف و مکلفیت ها را متوجه مساعدین حقوقی اداره مساعدتهای حقوقی نموده که در این قسمت بعضی ازموارد آن شرح می‌گردد:

" - دفاع از حقوق موکل در قضایای جزایی در مرحله تعقیب عدلی مطابق احکام این مقرره.
- در صورت توظیف، دفاع از حقوق موکل در قضایای مدنی.
- ارائه مشوره های حقوقی به مظنونین و متهمین بی بضاعت.
- اشتراک در تمامی مراحل کشف، تحقیق و محاکمه و ارائه جواب به نیابت از موکل.
- کسب اطلاع از جریان کشف، تحقیق و محاکمه موکل و نتایج آن.
- ملاقات، مفاهمه، مراسلات و ومخابرات محرمانه با موکل تحت نظارت، توقیف یا حبس در محیط مصئون."
۹- اصل عدم رجعت قانون به ماقبل: اصل عدم رجعت قانون به ماقبل یا اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین، به این معنی است که رسیدگی قضایی به اتهام اشخاص، مطابق قوانینی صورت می‌گیرد که در زمان رسیدگی نافذ است. یعنی اگر شخص در زمان ارتکاب عملی را انجام داد که جرم نبوده است ولی اکنون قانون جدید آن را جرم می‌پندارد، نباید مطابق قانون جدید او را مجرم شناخت، چراکه در زمان ارتکاب عمل، آن جرم پنداشته نمی‌شده است.

اما دراین اصل استثنائاتی نیز به نفع متهم است؛ هر گاه قانون جدید نسبت به قانون ماقبل که در زمان نفاذ آن ارتکاب جرم صورت گرفته بود، برای متهم مساعد تر باشد، قانون جدید که به نفع متهم است به کار گرفته می‌شود و به ماقبل رجعت می‌کند.
اصل عدم رجعت قانون به ماقبل در مواد مختلف قوانین کشور ما در نظر گرفته شده است.
درفقرات (۱) و (۲) ماده ۱۷ کود جزا درمورد بیان می‌دارد: «مرتکب جرم به موجب قانونی مجازات می‌گرددکه قبل از ارتکاب جرم نافذ شده باشد، مگر اینکه که قبل از صدور حکم قطعی قانون جدیدی وضع گردد که به نفع متهم باشد.
(۲) قانون در حالات ذیل به نفع متهم دانسته می‌شود:

- ۱- حد اقل مجازات را کمتر ساخته باشد.
- ۲- با حفظ حد اقل؛ حد اکثر مجازات را کمتر ساخته باشد.
- ۳- مجازات به درجه پائین تر تنزیل یافته باشد.
- ۴- حالات مخففه را بیشتر ساخته باشد.
- ۵- حالات مشدده راکم تر ساخته باشد.
- ۶- سایر مواردی که در قانون جدید به نفع متهم توجیه گردد"
- ۱۰- اصل منع شکنجه:

موجب این اصل هر نوع عمل و رفتار ظالمانه و غیر انسانی بمنظور اعتراف گیری از شخص مظنون و متهم ممنوع است. قانون اساسی و دیگر قوانین کشور ما، شکنجه و وارد ساختن فشار جسمی و روحی را منع می‌کند.

در ماده بیست و نهم قانون اساسی در مورد ممنوعیت شکنجه بیان شده است: «تعذیب انسان ممنوع است.
هیچ شخصی نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه

تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزاء باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد».

همچنین ماده سی ام قانون اساسی نیز بیان می‌دارد: «اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراره به دست آورده شود، اعتبار ندارد.
اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت».
همچنان اقراردر بند ۳۵ ماده ۴ قانون اجراء جزایی نیز تعریف شده است:

"اقرار:اعتراف به ارتکاب جرم است، بدون اکراره با رضایت کامل در حالت صحت عقل در حضور محکمه با صلاحیت"

یعنی اشخاص مظنون و متهم تحت هیچ گونه فشار روحی و یا جسمی قرار گرفته نمی‌توانندواظهارات مظنون و متهم در فضای کاملا آزاد اخذ می‌گردد.

۱۱- اصل محاکمه علنی:
موجب این اصل محاکمات بصورت علنی و با حضور مردم و مطبوعات صورت می‌گیرد. علنی بودن محاکمه خود ضمانت مهمی جهت منافع فرد و جامعه است. زیرا مردم می‌توانند قانونیت جریان محاکمه را مشاهده و بررسی نمایند. البته علنی بودن محاکمات، استثنائاتی نیز دارد که ذیلاً بدان اشاره می‌کنیم:

ماده بیست و هشتم قانون اساسی در زمینه بیان می‌دارد: " در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می‌گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد.

محکمه می‌تواند در حالاتی که در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند، ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد".
همچنین در ماده ۲۱۳ قانون اجراء جزایی بیان شده است:

" جلسه قضایی علنی بوده، هر شخص می‌تواند در آن حضور یابد، مگر اینکه، رئیس بخشی از جلسه یا تمام آن را نظر به دلایل اخلاقی، حفظ اسرار خانوادگی یا حفظ نظم و امن عامه، سری اعلان نماید"
۱۲- اصل منع محاکمه مجدد:
طبق اصل عدم یا منع محاکمه مجدد هیچ شخصی به علت عین جرم بر اساس قوانین یک کشور دوبار محاکمه یا مجازات نمی‌شود. این اصل در کود جزاء و میثاق های بین المللی که افغانستان به آن پیوسته نیز تاکید شده است:
فقره (۱) و (۲) ماده ۱۳ کود جزای افغانستان بیان می‌دارد: " شخصکه یک بار بخاطر ارتکاب یک جرم در محاکم داخلی مورد محاکمه قرار گرفته وبالای وی حکم صادر شده باشد، بدلیل بروز دلایل جدید بخاطر ارتکاب همان جرم نمی‌توان مجدداً وی را مورد محاکمه قرار داد.
(۲) شخصی که یکبار بخاطر ارتکاب یک جرم در محاکم دولت خارجی یا بین المللی مورد محاکمه قرار گرفت بالای وی حکم قطعی صادر شده باشد، مجدداً در رابط به همان جرم در محاکم داخلی مورد محاکمه قرار گرفته نمی‌تواند"
ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی که افغانستان نیز به آن متعهد است بیان می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادره طبق قانون اجراء جزایی هر کشور محکوم و یا تربه شده، مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد».

با توجه تذکرات قانون اساسی ، قانون اجراء جزایی، قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضایی، کود جزا و اسناد بین المللی گفته می‌توانیم که قوانین نه تنها در حالات عادی حامی و حمایت کننده حقوق اتباع یک کشور می‌باشد بلکه یک فرد زمانیکه مورد سؤظن یا تحت اتهام قرار می‌گیرد نیز مورد حمایت قانون واقع می‌شود.

ادامه دارد...

حقوق اجتماعی زن

تتبع و نگارش: گلالی سنگرخیل عزیز

۳- حقوق کار

کار از جمله حقوق طبیعی هر انسان بوده زیرا خداوند (ج) این حق را به او اعطا نموده و وسیله کسب رزق و روزی حلال گردانیده و بشر را به انجام آن مکلف نموده است. چنانچه خداوند در قرآن کریم در سوره جمعه در رابط به کار و دریافت روزی حلال امر فرموده است: "هر گاه از نماز فارغ شدید در روی زمین برای تجارت و کسب نیازتان پراکنده شوید و فضل خدا را جستجو کنید یعنی روزی او را از راه خرید و فروش بخواهید."

همچنان در مورد پیغمبر (ص) فرموده است:

"خداوند بنده مومن را که در حال انجام کار است دوست دارد."

ضمن احادیث دیگری از ابوهریره روایت شده که حضرت پیامبر (ص) فرموده است: "سوگند به کسی که جانم در دست اوست اگر یکی از شما ریسمانش را بردارد، با آن دسته هیزم بر پشتش حمل کند (تا آن را بفروشد) بهتر از این است که از کسی در خواستی نماید و او خواسته اش را برآورده یا رد نماید." که این حدیث شریف بیانگر تشویق انسان برای استفاده از دسترنج خود از کسب حلال است.

انسان برای زیستن وزنده ماندن نیازمند کار، کوشش و فعالیت است. و در این راه مانند همه موجودات زنده از نظام آفرینش پیروی می کند. تاجیه دست یابی به ما محتاج زندگی خود و برای برآورده شدن نیازهای جامعه، بهره بهتر زیستن و بقای نسل خویش کار نموده، بهره ای بدست آورند. هدف از کار انسان مسلمان بر علاوه به دست آوردن معیشت زندگی، برای کسب پاداش، رضای خداوند متعال نیز می باشد. مانند آموزش مسایل دینی، پیشه و حرفه، صنایع دستی و سایر مشاغل. در ضمن دریافت پاداش مادی و غیر مادی باید مشروع باشد، مهم نیست که آن کار دستی یا اجزای یا کشاورزی یا صنعتی و یا تجاری... باشد.

حقوق کار زنان از دیدگاه قوانین در افغانستان کار اساس زندگی است و به همین جهت هر انسان حق کار کردن را دارد اگر کار و اشتغال نباشد چرخه زندگی از حرکت می ایستد و زندگی به خاموشی میگراید لذا از حقوق اساسی هر فرد حق اشتغال و حق انتخاب آزادانه ای شغل او است از همین سبب است که دولت ها برای اتباع خود شرایط کار مساعد را در قانون پیش بینی میکنند و کوشش به عمل آمده که حقوق تمام اتباع یک سان در نظر گرفته شود. چنانچه در قانون اساسی در ماده (۴۸) تذکر به عمل آمده است که: "کار حق هر افغان است." تعیین ساعات کار، رخصتی با مرد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم میگردد. انتخاب شغل و حرفه در حدود احکام قانون، آزاد میباشد.

طبق ماده (۱۲۵) قانون کار- کار حق زن پنداشته میشود. طبق این قانون هیچ کس حق ندارد از پذیرش زن به کار امتناع ورزد و یا مرد زن را به دلیل حاملگی یا شیردادن طفل تقلیل بخشد. همچنین طبق این قانون زنان در صورت نداشتن کار رسمی میتوانند به صورت بالمقطع یعنی روز نا مکمل، هفته نا مکمل و ماه نا مکمل با ادارات، در صورت نیاز کار نمایند.

علاوه بر حقوق و امتیازاتی که به کارکنان در قانون کاردر نظر گرفته شده زنان در حالات خاص پیشبینی شده دارای امتیازات ذیل نیز می باشند:

در قانون کار، وقت عادی کارطوری اوسط در طول سال در هفته متجاوز از ۴۰ ساعت بوده نمی تواند، اما برای زنان حامله در هفته ۳۵ ساعت است که این تقلیل اوقات کار موجب کسر مزد و سایر حقوق وی نمی گردد.

برنامه آگاهی عامه حقوقی در ولسوالی شکردره

گزارشگر: بشیر احمد عزیز



اعضای مبلغین ساحوی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه، مطابق پلان مطروحه ای شان غرض آگاهی دهی موضوعات حقوقی روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ اعزام ولسوالی شکردره ولایت کابل گردیدند. در این برنامه منسوبین پولیس ولسوالی متذکره اشتراک نموده بودند. موضوعات که روی آن بحث گردید. چون معرفی ریاست های وزارت عدلیه، اجراءات پولیس، وظایف و مکلفیت های پولیس، گرفتاری توسط پولیس عدلی و قضایی و چندین موارد دیگر مرتبط به وظایف پولیس برای اعضای منسوبین پولیس آگاهی داده شد، و همچنین یک یک جلد مجموعه مقالات حقوقی که حاوی موضوعات مختلف حقوقی میباشد برای آنها تسلیم داده شد. هدف از اجرای این برنامه آگاهی دهی، آشنایی اشتراک کنندگان به قانون پولیس میباشد.

مجازات بدیل از حبس

تتبع و نگارش: دردانه فضایی

حس را در کشور نهادینه کنند.

این هیئت تحقیقات گسترده به منظور دست یابی به راه کارهای بدیل حبس انجام دادند. به این ترتیب اشتراک کنندگان افغان با نهاد های مسئول اجرای مجازات عدلی در فرانسه از جمله سارنوالان، قضات، روسای محاسب و سایر نهاد های ذیدخل دیدار و گفتگو نمودند و از نتایج این تبادل نظر می توان گفت که روی مساله پیاده نمودن مجازات اس پی ای (بدیل از حبس) تمرکز داشتند که چگونه می توانند از زندانی ساختن آنان جلوگیری نمایند و راهکارهای مانند اصدار حکم تأجیل همراه با گذشتادن آزمونها، قرار دادن دست بند الکترونیکی، اجرای امور عامه المنفعه یا آزادی مشروط و با ضمانت محکومین و ... از جمله مواردی است که در مجازات بدیل از حبس در نظر گرفته شده است. چنانچه ماده 150 کد جزا در مورد انواع جزای بدیل از حبس ذیلا صراحت دارد: جزای بدیل حبس عبارت اند از دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل که در مطابقت با احکام این فصل، اعمال می گردد.

با توجه به صراحت ماده 148 کد جزا بدیل از حبس جزایی است که بالای مرتکب جرم به عوض حبس، به شکل رهایی مقید از طرف محکمه حکم می شود.

در صورت تحقق جرم دولت مردان علیه مرتکب جرم ناگزیر از تطبیق احکام محاکم می باشند نباید فراموش کرد که مرتکبین اعمال خلاف قانون از مادر متخلف متولد نشدند بلکه عوامل گوناگون در نقش گرفتن شخصیت آنان تاثیر گزار بوده است. بنا بر این ارگانهای عدلی و قضایی در تلاش اند که چگونه می توان امار جرم و جرایم را تزییل بخشیده و کدام شیوه ها را باید دریا بیم تا ضمن اصلاح مجدد مرتکبین متخلف از قانون بتوان کسانی را که مجرم متکرر نیستند

حکومتی تعیین و اعمال می گردد. حد، مجازات معین و ثابت است. اما تعزیرات مجازاتی است که مبنای جرم انگاری آن مصالح و منافع جامعه است. مجازات تعزیری متنوع است؛ مانند شلاق، حبس، جزای نقدی، مصادره اموال و ... به عبارتی، حبس تعزیری مصادقی از مجازات های تعزیری است. این حبس ها می تواند از نظر زمانی متفاوت باشد، از چند روز تا حبس دوام. حبس نیز یکی از مجازات های است که برای مجرمین با توجه به میزان جرایم آنان به حکم قطعی محکمه در یکی از محلات سلب آزادی که از طرف دولت به منظور نگهداری محکومین در نظر گرفته شده است زندانی می شوند. چنانکه ماده 125 کد جزا حبس را ذیلا تعریف نموده است:

"حبس عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محاسب که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است."

نظر به صراحت ماده 146 و 147 کد جزا حبس دارای انواع و مدتهای ذیل می باشد:

- 1- حبس قصیر (از سه ماه تا یک سال)
- 2- حبس متوسط (بیش از یک سال تا پنج سال)
- 3- حبس طویل (بیش از پنج سال تا شانزده سال)

- 4- حبس دوام درجه دو (بیش از شانزده سال تا ملل جهان تلاش می ورزند که آمار مجرمین در سطح جامعه کمتر شده و ارگانهای عدلی و قضایی در تلاش اند تا راه کارهای موثر در راستای اصلاح مجدد مجرمین را دریابند لذا شیوه های مجازات بدیل از حبس را در مطابقت با نظام حقوقی کشور جستجو نمودند.

قابل یاد اوریست که یک گروه پژوهشی از مامورین و قضات افغانستان مورخ جوزا سال 1394 در سفرکه به فرانسه داشتند با مطالعه از تجربیات آن کشور در پی ایجاد یک سیستم بدیل حبس در افغانستان شدند، که صدور حکم زندان را محدود ساخته و زمینه تطبیق بدیل از

قانون بدیل حبس، جزای نقدی، حبس قصیر یا حبس متوسط تعیین شده باشد. جنایت: عبارت از جرمی است که جزای آن در این قانون حبس طویل، حبس دوام درجه دو، حبس دوام درجه یک و یا اعدام تعیین شده باشد.

اما هدف از مجازات بدیل از حبس برای محکومین چیست؟

مصلحین جامعه و اندیشمندان حقوقی به این نظر اند که در زندان معمولاً مجرمین متکرر و سابقه دار و کسانی که در اثر نا آگاهی از قوانین و تخلفات جزایی وارد زندان می شوند در یک مکان نگهداری می شوند در واقع می توان گفت که افراد تازه وارد مصداق این جمله خواهند شد که اگر یک تخم مرغ دزد در زندان برود در نهایت به شتر دزد تبدیل خواهد شد.

مطلب دیگر اینکه هزینه گزافی در قسمت نگهداری و مراقبت از این نوع زندانیان روی دوش دولت گذاشته می شود. همچنین طی مراحل قضایی آنان بعد دیگری از معضلات نهاد های عدلی و قضایی بحساب می آید.

فلهذا حقوقدانان سعی نمودند به منظور اصلاح مجرم، جلوگیری از جرم و پیش گیری از ارتکاب جرایم برای محکومین واجد شرایط که در قوانین تصریح گردیده است مجازات بدیل از حبس را لحاظ نمایند.

بنا بر این حقوق دانان کشور ما همگام با سایر ملل جهان تلاش می ورزند که آمار مجرمین در سطح جامعه کمتر شده و ارگانهای عدلی و قضایی در تلاش اند تا راه کارهای موثر در راستای اصلاح مجدد مجرمین را دریابند لذا شیوه های مجازات بدیل از حبس را در مطابقت با نظام حقوقی کشور جستجو نمودند.

قابل یاد اوریست که یک گروه پژوهشی از مامورین و قضات افغانستان مورخ جوزا سال 1394 در سفرکه به فرانسه داشتند با مطالعه از تجربیات آن کشور در پی ایجاد یک سیستم بدیل حبس در افغانستان شدند، که صدور حکم زندان را محدود ساخته و زمینه تطبیق بدیل از